گزارش

علیرضا سزاوار

ترک‌فعلی‌ها در ورزش هم باید زندانی شوند

نگاهی به قانون جهانی دعاوی ورزشی و امکان رسیدگی تخصصی به دعاوی حقوقی - ورزشی در کشور

اعلام حکم رئیس سابق بانک مرکزی و همدستانش حاکی از جدیت دستگاه قضا در برخورد با مسئولان نالایق بود. اکنون که در آستانه اعلام حکم ویلموتس از سوی فیفا هستیم، رئیس قوه قضائیه هم خبر داده که به دعاوی حقوقی ورزشی به صورت تخصصی رسیدگی خواهد شد. تیرماه سال گذشته رئیس سازمان بازرسی از معرفی هشت نفر در خصوص پرونده ویلموتس به مراجع قضایی خبر داد اما هنوز خبری از محکومیت این افراد نشده است.

رئیس قوه قضائیه ۲۵ مهر در نشست صمیمی با قهرمانان المپیک، پارالمپیک و جهانی که در آستانه روز ملی تربیت بدنی و ورزش برگزار شد، برای ایجاد شعب اختصاصی برای رسیدگی به مشکلات و دعاوی حقوقی ورزشکاران ابراز آمادگی کرد.

راهگشای بسیاری از مشکلات حقوقی

با نگاهی به قوانین فدراسیون‌های ورزشی و کمیته بین‌المللی المپیک می‌توان دریافت که سخنان رئیس قوه قضائیه راهگشای بسیاری از مشکلات حقوقی در عرصه ورزش کشور خواهد شد.

اوایل دهه ۱۹۹۰ پرونده‌ای ورزشی به دستگاه‌های قضایی و دادگاه‌های جهانی رسید که امروز با نام قانون بوسمن شناخته می‌شود.

در آخرین روزهای سال ۱۹۹۵ ژست‌های خوشحالی فوتبالیستی به نام بوسمن میان وکلای خود داخل دادگاه اتحادیه اروپا، عکس بسیاری از رسانه‌های ورزشی شد. این فوتبالیست که هیچ افتخار ورزشی در کارنامه خود نداشت، یک قانون را پایه‌گذاری کرد. قانون بوسمن دستاورد این فوتبالیست گمنام و حاصل شکایت او از یک باشگاه فوتبال به «دیوان عدالت اروپا» بود.

بررسی پرونده ورزشی از جنبه حقوق کارگری

سال ۱۹۹۱ این فوتبالیست دومین سال حضورش در تیم «استاندارد لیژ» بلژیک را می‌گذراند. مدیران باشگاه در نامه‌ای کتبی به او اعلام کردند که باید دستمزدی کمتر از سال‌های قبل بگیرد و او حداکثر می‌تواند مبلغی حدود یک‌سوم قراردادهای قبلی را دریافت کند. این فشار مدیریت باشگاه موجب شد که بوسمن قید ماندن در تیم خود را بزند و ترجیح داد فوتبال را در یک تیم دسته دومی فرانسوی ادامه دهد و با تیم «دونکرک» قرارداد امضا کرد.

باشگاه استاندارد لیژ هم با توسل به قانون داخلی خود از باشگاه فرانسوی و بازیکن پیشین خود خواست که برای این نقل و انتقال ۱۰ میلیون یورو پرداخت کنند! یعنی سه برابر مبلغی که پیش از این ژان مارک بوسمن از باشگاه استاندارد در تمام دو سال حضورش گرفته بود!

در نهایت کار به دادگاه عالی اروپا رسید و به این پرونده از جنبه حقوق کارگری ورود کردند. تا قبل از این پرونده، بازیکنانی که حتی قراردادشان به پایان رسیده بود، باید برای انتقال به باشگاهی دیگر، وجهی قابل توجه به باشگاه خود پرداخت می‌کردند.

قانون ضد حقوق شهروندی

دادگاه دیوان عالی اروپا در خصوص این پرونده حکمی صادر کرد که امروز به آن قانون شماره ۴۵ در معاهده عملکرد اتحادیه اروپا می‌گویند. این قانون سه دهه است که نه فقط در زندگی ورزشکاران که حتی در زندگی افراد شاغل در اتحادیه اروپا، دگرگونی ایجاد کرده است. قانونی که پیش از این وجود داشت این بود که بر اساس ماده ۴۸ قانون معروف به رم (قانونی که در پایتخت ایتالیا تصویب شد) ورزشکاران، حتی پس از اتمام قراردادشان نمی‌توانستند بدون اجازه مدیران باشگاه خود، با تیم دیگری قرارداد امضا کنند.

سرانجام سال ۱۹۹۵ دیوان عدالت اتحادیه اروپا، این قانون را ضد حقوق شهروندی کارگران و ورزشکاران در اتحادیه اروپا دانست. زندگی ژان مارک بوسمن سال‌ها بعد از این قانون تأثیرگذار، تحت تأثیر الکل و دعاوی خانوادگی قرار گرفت اما قانونی که به خاطر او وضع شد، همیشه ماندگار است. جالب اینکه برای نخستین بار بود که پس از صدور این حکم نه کمیته بین‌المللی المپیک و نه فدراسیون جهانی فوتبال در قبال رأی یک دادگاه غیرورزشی، اعتراضی نکردند.

تأکید قانون المپیک و فیفا به استقلال داشتن

متن کامل ترجمه شده اساسنامه جدید فیفا نشان می‌دهد که در بند نخست ماده ۵۷ اساسنامه فدراسیون جهانی فوتبال تأکید شده است که فیفا، فقط «دیوان مستقل داوری ورزش» به نام CAS به مرکزیت لوزان در کشور سوئیس را با هدف حل و فصل منازعات میان فیفا، اعضا، کنفدراسیون‌ها، لیگ‌ها، باشگاه‌ها، بازیکنان، مقامات رسمی، واسطه‌ها و نمایندگان رسمی مسابقات به رسمیت می‌شناسد.

آن‌طور که تابناک ترجمه اساسنامه جدید فیفا را منتشر کرده، نشان می‌دهد در ماده ۵۲ که مرتبط با ارکان قضایی فیفا، تمامی کنفدراسیون‌های قاره‌ای و تمامی فدراسیون‌های تابعه می‌شود، به استقلال کمیته‌های اخلاق، انضباطی و استیناف تأکید شده است. در بند سوم از ماده ۸ اساسنامه این فدراسیون جهانی هم نوشته شده است که هر شخص و سازمان مرتبط با فوتبال، موظف به رعایت اساسنامه و مقررات فیفا و همچنین اصول بازی جوانمردانه می‌باشد. یعنی یک باشگاه یا یک بازیکن، حق شکایت به دستگاه‌های قضایی کشور خود در قبال

> در آستانه اعلام حکم ویلموتس از سوی فیفا هستیم و باید با دقت بیشتری از آسیب به بیت‌المال جلوگیری کرد. اکنون بیش از یک سال از گزارش سازمان بازرسی گذشته و هنوز هم خبری از محاکمه این متهمان نیست

بازیکن، مربی، باشگاه، داور یا فدراسیون را ندارد.

اساسنامه کمیته بین‌المللی المپیک هم با ارجاع به قوانین خود تأکید کرده که المپیک (که شامل بر تمامی ورزش‌های حاضر و غایب در المپیک است) باید از سه مؤلفه اصلی این نهاد که شامل خود کمیته بین‌المللی المپیک، فدراسیون‌های جهانی و فدراسیون‌های ورزشی مستقر در کشورها هستند، تبعیت کنند.

دادخواهی از دیوان عدالت

در اساسنامه کمیته بین‌المللی المپیک(IOC) بیان شده که اساسنامه تمامی فدراسیون‌های ورزشی جهانی و همین‌طور فدراسیون‌های کشوری باید مبتنی بر قوانین کلی و پیرو «منشور المپیک» باشد. در همین منشور، بارها به استقلال فدراسیون‌ها و کمیته‌های ملی المپیک کشورها از دستگاه‌های دولتی تأکید شده است. در داخل کشور، پرونده معروفی ورزشی که حتی شهرت جهانی پیدا کرد به سال ۱۳۸۴ مربوط می‌شود. در آن زمان، شعبه ۱۰ دیوان عدالت اداری طی حکمی، رأی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال ایران را شکست و دستور به حضور تیم صنعت نفت آبادان در لیگ برتر داد. تیم صنعت نفت آبادان اعلام کرده بود به دلیل تبانی در رقابت‌های لیگ برتر کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال باید باشگاه راه‌آهن را تنبیه کند. شکایت صنعت نفت از باشگاه راه‌آهن پذیرفته نشد و مدیران نفت آبادان همان اعتراض را به دستگاه قضایی وقت بردند. دیوان عدالت اداری، رأی فدراسیون فوتبال ایران را شکست و رأی به سود صنعت نفت داد.

در سال ۸۶ و به‌دنبال حکم برکناری رئیس وقت فدراسیون فوتبال از سوی محمد علی‌آبادی، رئیس وقت سازمان تربیت بدنی هم دخالت سیاست در امور داخلی فدراسیون فوتبال قلمداد شد تا فوتبال ایران با دستور فیفا تعلیق شود.

یک پرونده تازه

در یک پرونده قضایی دیگر که تابستان امسال رخ داد، پس از آن که هفت سال از سقوط تیم راهیان کرمانشاه به لیگ دسته دوم می‌گذشت، مدیران این باشگاه از سال‌ها قبل به قوه قضائیه شکایت برده بودند و مرداد سال جاری بر اساس حکم این دادگاه، مجوز بازگشت این تیم به لیگ دسته اول را کسب کردند.

اواسط مرداد هم «شهریار حیدری» نماینده مردم کرمانشاه در مجلس در مورد عدم رضایت فدراسیون فوتبال ایران به اجرای این حکم دادگاه کرمانشاه به خبرگزاری میزان گفته بود: «تمکین نکردن فدراسیون فوتبال به حکم دیوان عالی پیگرد قضایی دارد.»

پس از اعلام این حکم از سوی قوه قضائیه و مصاحبه نماینده مجلس شورای اسلامی، کنفدراسیون فوتبال آسیا با ارسال نامه‌ای انتقادی به فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ ایران، خواستار شفاف‌سازی موضوع در مورد «دخالت‌های نهادهای غیرفوتبالی در نتایج و جدول مسابقات لیگ» شد. اکنون با تاکید رئیس دستگاه قضا به رسیدگی تخصصی به دعاوی ورزشی می‌توان امیدوار بود که بسیاری از مشکلات ورزشی کشور بدون حواشی جهانی حل و فصل شود.

اهمیت این تحولات قانونی

رئیس قوه قضائیه در واکنش به درخواست برخی ورزشکاران برای ایجاد شعب اختصاصی برای رسیدگی به مشکلات و دعاوی حقوقی ورزشکاران تصریح کرد به دعاوی حقوقی ورزشی به صورت تخصصی رسیدگی خواهد شد.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای روز ۲۵ مهر در نشست صمیمی با قهرمانان المپیک، پارالمپیک و جهانی که در آستانه روز ملی تربیت بدنی و ورزش برگزار شد، در این زمینه به ذکر نمونه‌ای از مشکلات مطرح شده توسط یکی از بانوان ورزشکار حاضر در این نشست اشاره کرد و گفت «پیگیری حقوقی موضوعاتی چون سرقت مدال‌ها و احکام قهرمانان ملی و ارزشگذاری این اشیای گرانبها قطعاً نیازمند بررسی کارشناسی و ایجاد فرآیند تخصصی است که قوه قضائیه به آن توجه ویژه خواهد داشت.»

اهمیت این تحولات قانونی در این است که اکنون در آستانه اعلام حکم ویلموتس از سوی فیفا هستیم و باید با دقت بیشتری از چنین آسیب‌هایی به بیت‌المال جلوگیری کرد. تیرماه سال قبل هم سازمان بازرسی با اتمام بررسی‌ها در پرونده قرارداد فدراسیون فوتبال با مارک ویلموتس، از ارسال گزارش نهایی به دادستان عمومی و انقلاب تهران خبر داد. این هشت نفر اعضای هیئت رئیسه فدراسیون هستند که در هنگام عقد قرارداد همکاری با ویلموتس سند قرارداد را امضا کرده‌اند و در حال حاضر به علت انجام اشتباهات متعدد در نوع قرارداد متهم شناخته شده‌اند. مهدی تاج به عنوان رئیس و حیدر بهاروند، لیلا صوفی‌زاده، محمود اسلامیان، کاظم طالقانی، هدایت ممبینی، محمود شیعی و فریدون اصفهانیان، این هشت نفر هستند.

اکنون بیش از یک سال از گزارش سازمان بازرسی گذشته و هنوز هم خبری از محاکمه این متهمان نیست.

نظر کارشناس

رودررو با زمین‌خواران ورزشی

فعالیت‌های وزارت ورزش و جوانان در راستای خدمت به عموم مردم و به نوعی عام‌المنفعه است. به همین دلیل رسیدگی ویژه و با دقت به پرونده‌های زیر نظر این وزارتخانه، به نفع بیت‌المال است و همان‌طور که رئیس قوه قضائیه هم گفته با رسیدگی تخصصی به حل دعاوی ورزشی سرعت خواهند داد.

برای رسیدگی به پرونده‌های ورزشی علاوه بر شعب تخصصی، ایجاد شوراهای حل اختلاف تخصصی هم کمک زیادی به حل دعاوی ورزشی می‌کند. تغییر اراضی کاربری ورزشی، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات حقوقی است که گریبانگیر وزارت ورزش و جوانان شده است.

تخلفی که از سوی برخی افراد و نهادها رخ می‌دهد و صدای اعتراض معاون وزیر را هم بلند کرده است. معاون حقوقی این وزارتخانه اخیراً اعلام کرده در طرح‌های هادی شهرها و شهرک‌ها، اماکن مشخصی به عنوان اراضی با کاربری ورزشی اختصاص داده می‌شوند اما متأسفانه در مرحله اجرای طرح مشاهده می‌شود که کاربری این اراضی تغییر کرده است. بر اساس قانون، هیچ فرد و نهادی، اجازه و حق تغییر کاربری اراضی را ندارد و تنها مرجع ذی‌صلاح، برای تغییر کاربری کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری است. هر زمین و پلاکی در شهرها دارای یک کاربری از قبل تعیین شده است که توسط مشاور، طراحی و مصوبه آن از کمیسیون ماده ۵ دریافت شده است. کاربری اراضی به ۲۰ مورد تقسیم‌بندی شده از جمله کاربری‌های آموزشی، مسکونی، تجاری، بهداشتی درمانی که کاربری ورزشی هم یکی از همین ۲۰ مورد است.

در همین زمینه ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان کرده که نهاد قضایی برحسب این قانون وظیفه دارد با توجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند. اکنون که وزارت ورزش و جوانان حمایت رئیس قوه قضائیه برای رسیدگی تخصصی به دعاوی ورزشی را به دست آورده، می‌توان امیدوار بود که به‌زودی با توسل به ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری تشکل‌های ورزشی بتوانند در برابر کسانی که اراضی ورزشی را تغییر کاربری می‌دهند هم بایستند.

دکتر آرش طهرانی

نکته

استناد به «اسکرین‌شات»

«هر ادعایی نیاز به اثبات دارد»! این از معروف‌ترین جملاتی است که در دنیای حقوق مطرح می‌شود. بنابراین، به‌صرف طرح یک ادعا که می‌تواند در قالب شکوائیه یا دادخواست مطرح شود، نمی‌توان خود را پیروز یک پرونده حقوقی دانست. به‌طور سنتی شهادت، اقرار، سند، سوگند و اَماره به‌عنوان ادلّه اثبات مطرح می‌شوند.

از این رو، اگر کسی ادعایی را در مراجع قضایی مطرح کند، باید با یکی از این ادلّه آن را به اثبات برساند وگرنه نمی‌تواند کاری از پیش ببرد.

امروزه با گسترش استفاده از فناوری‌های نوین، مصادیق دلایل و مدارکی که مورد استناد قرار می‌گیرند، تحول پیدا کرده است. به‌عنوان نمونه، امروزه از قابلیت یا عدم قابلیت استناد به فایل‌های صوتی و تصویریِ ضبط شده سخن گفته می‌شود؛ در حالی که در گذشته اساساً چنین ادلّه‌ای مطرح نبوده است.

«اسکرین‌شات» یا همان تصویر برداشته‌شده از صفحه گوشی تلفن همراه، یکی از ادلّه اثباتی پرچالش است که پرسش‌های بسیاری در خصوص آن مطرح می‌شود. فرض کنید شخصی در پیام‌رسان تلگرام، پیام‌های تهدیدآمیز یا توهین‌آمیز ارسال کرده است. آیا شما می‌توانید در شکوائیه خود به اسکرین‌شات این پیام‌ها استناد کنید؟ اگر طرف مقابل شما حساب کاربری خود را پاک کرده باشد یا این که پیام‌ها را هم برای خود و هم برای شما پاک کرده باشد، چطور؟

اما چند سؤال در این مورد:

۱- با توجه به این که سرور پیام‌رسان‌هایی همچون تلگرام و واتس‌اپ در داخل کشور نیست، امکان استناد به به اسکرین‌شات وجود دارد یا خیر؟ ۲- اگر ارسال‌کننده پیام، پس از ارسال پیام اکانت خود را پاک (delete) کرده باشد، چطور؟ ۳- استعلام صحت یا عدم‌صحت این پیام‌ها از کدام نهاد باید صورت پذیرد؟

برای یافتن پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده، ناگزیر از رجوع به قانون هستیم: ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی را به‌شرط رعایت سازوکارهای امنیتی، همانند سند و نوشته مکتوب قابل استناد دانسته و در تبصره یک مقرّر کرده است که هیچ‌گاه نمی‌توان صرفاً به‌لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی، از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود.

ماده ۶۸۵ این قانون نیز تصریح کرده است که اگر داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی ندارد، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شود و سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به‌نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشود، قابل استناد است. بنابراین، در صورتی که مرجع قابل اعتمادی مانند پلیس فتا اصالت اسکرین‌شات ارائه‌شده از سوی اصحاب دعوا را تأیید کند یا به طریق دیگری، اصالت و ساختگی نبودن اسکرین‌شاتِ مورد استناد برای قاضی احراز شود، می‌تواند بر مبنای آن قضاوت کند. امّا اگر درباره اصالت اسکرین‌شات تردید جدّی وجود داشته باشد و احتمال برود که از طریق نرم‌افزارهایی مانند فتوشاپ ساخته شده است، دیگر قابلیت استناد نخواهد داشت.

نگاه

مسئولیت مدنی در قرارداد مشارکت ساخت و ساز

شاهین یادگار جمشیدی*

یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر یعنی پس از تصویب قانون زمین شهری مطرح شده است مسئله ساخت و مشارکت است. اشخاصی که زمین دارند اما فاقد سرمایه هستند با کسانی که صاحب سرمایه‌اند و اما زمین ندارند شریک می‌شوند و در زمین مورد بحث احداث بنا می‌کنند و بدین ترتیب در عرصه و اعیان شریک می‌شوند. قراردادهای مشارکت در ساخت از سال ۱۳۷۲ با پیشنهاد دولت وقت در سازمان مسکن و شهرسازی باب شد.

مشارکت در ساخت و ساز قراردادی است که به محض وقوع برای طرفین دارای اثر می‌شود و حقوق و تعهداتی را برای طرفین به بار می‌آورد، چون این قرارداد معوض است این حقوق و تعهدات به شکل متقابل برای هر یک (مالک زمین و شریک) ایجاد می‌شود. بدین مفهوم که از هر تعهد یکی از طرفین حقی برای طرف دیگر ایجاد می‌شود.

به علاوه از آنجا که قرارداد مشارکت در ساخت و ساز، قراردادی مستقل به شمار می‌رود به جز آثار عمومی قراردادها (اصل لزوم، اصل صحت و...) طرفین باید آثار مورد نظر خود را در قرارداد تصریح و تعهدات خود را به تفکیک مشخص کنند تا در صورت تخلف امکان اثبات را با استناد به قرارداد بیابند.

هر یک از طرفین قرارداد به صورت مجزا و نیز حقوق و تعهداتی مشترک و متقابل نسبت به هم دارند.

مالک زمین مکلف است ظرف مدت معینی از انعقاد قرارداد مشارکت (معمولاً یک ماه) زمین را به منظور شروع اجرای عملیات در اختیار شریک قرار دهد. در غیر این‌صورت باید از عهده خسارت شریک برآید و چنانچه از تسلیم زمین به کلی ناتوان شود، ناگریز باید به قرارداد خاتمه داد. در چنین حالتی شریک می‌تواند قرارداد خود را به استناد خیار تخلف از شرط فعل (تسلیم زمین) فسخ نماید.

شریک نیز به موجب قرارداد مشارکت تعهداتی بر عهده می‌گیرد که عبارتند از:

۱- دارا بودن امکانات و صلاحیت علمی و فنی و قانونی، علاوه بر اهلیت مورد نیاز تمامی عقود به‌طور خاص.

۲- انجام پروژه ساخت و ساز بر اساس مفاد قرارداد، تعهد اصلی شریک به شمار می‌رود. به منظور ایفای این تعهد سنگین و دشوار بنا به حکم عقل لازم است مقدمات لازم فراهم شود.

۳- پذیرش نظارت مالک زمین بر اجرای عملیات: مالک زمین حق دارد در طول عملیات اجرایی بر تمامی کارها نظارت داشته باشد. اگر تخلفی از شرایط ساخت و ساز اعم از کمی و کیفی مشاهده کرد می‌تواند از شریک رعایت شرایط قانونی و قراردادی را درخواست بکند و در صورت عدم ترتیب اثر الزام قانونی را از دادگاه بخواهد.

۴- دادن تضمین: هنگامی که قراردادی منعقد می‌شود به ویژه اگر موضوع ساخت و ساز باشد برای متعهدله (شخصی که تعهد به سود او به عهده گرفته می‌شود) همواره این تردید وجود دارد که ممکن است که با تأخیر یا نقص در اجرای تعهد از سوی متعهد مواجه شود. در این مورد شرط جبران خسارت چاره‌ساز است و باید ضمانت دهد.

*دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق
دانشگاه آزاد واحد تبریز

انتظار اجتماعی از نیروی انتظامی

یادداشت

محمدپارسا بامری*

سردار حسین اشتری- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا)- در روزهای اخیر اعلام کرد که بازداشت یک زن به علت بدحجابی نبوده و دلیل دیگری داشته و با مأموران خاطی هم به‌دلیل رفتار ناشایست برخورد جدی خواهد شد.

اما سؤالی که ایجاد می‌شود این است که آیا بازداشت به‌علت بدحجابی یا دلایل دیگر، تأثیری بر روی رفتار ضابطین قضایی دارد؟ آیا منشور مشخص و قوانین موضوعه، مشخص‌کنندهٔ ایجاد تبعیض بین متهمان هستند؟ قطعاً خیر. چنین عبارتی از سردار اشتری، به‌دلیل حساسیت‌های موجود در بین مردم جامعه نسبت‌به قوانین و برخوردهای نیروی انتظامی با بدحجابی بوده که همواره زمینه حواشی را فراهم کرده است.

انتشار ویدئویی، آن‌هم با فاصله اندکی از هفته نیروی انتظامی، می‌تواند حاصل غرض‌ورزی‌های مختلف باشد. چه‌که زمان قطعی فیلمبرداری و جزئیات اتفاق، مشخص نیست.

سردار اشتری هم خبر داده: «برخورد پلیس به‌جز در مورد بزهکاران که موجب رعب و وحشت شده‌اند، باید با مراعات حال مردم باشد. در سال‌های اخیر، به‌دلیل حرفه‌ای شدن مأموران نیروی انتظامی، برخوردهای همکاران ما بسیار کاهش یافته است. موضوع فیلم انتشاریافته ارتباطی با حجاب نداشته و پرونده در بازرسی نیروی انتظامی بررسی می‌شود و نتیجهٔ آن اعلام خواهد شد.»

با توجه به مفهوم استخراجی از مصاحبه سردار اشتری، می‌توان نتیجه‌گرفت که برخورد مأموران نیروی انتظامی در سالیان قبل، بیشتر بوده و امروزه اصلاح شده است. پس اگر چنین است، چرا در همان سال‌ها، همواره این فرضیه توسط مسئولان نیروی انتظامی تکذیب شده است و برخوردهای فوق را انکار کرده‌اند؟

البته گاهی اوقات ابزار رسانه به‌مثابه چاقویی دولبه کار می‌کند. هنگامی که با انتشار ویدئوهای تصنعی، اقدام‌به تخریب اشخاص و اقوام می‌کند. مانند پدر و پسری که چندی پیش اقدام به ساخت ویدئویی از ضرب و شتم یک روحانی کردند. در آن ویدئو پدر در نقش روحانی و پسر در نقش جوانی یاغی، نقش‌آفرینی می‌کردند.

موضوع برخورد با مأموران متخلف، قابل تحسین و ستایش است. اما همهٔ راهکار جلوگیری از چنین اتفاقاتی، خلاصه در برخوردهای بازرسی و نظامی نمی‌شود. بهترین راهکار برای حل این‌چنین معضلاتی، نگاه ریشه‌یابانه است.

ریشهٔ اصلی چنین اتفاقاتی، عدم آموزش صحیح و کافی مأموران، گزینش نامناسب، تحصیلات غیرمرتبط با نیروی انتظامی و البته عدم‌آگاهی بیشتر مردم از نحوهٔ رفتار با مأموران نیروی انتظامی و حقوق شهروندی است. نیروی انتظامی به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت و آرامش در جامعه، وظیفه خطیری را برعهده دارد.

اگر قرار باشد ارگانی که خود مسئول امنیت جامعه است، سبب از بین رفتن امنیت مردم شود، اعتماد آحاد جامعه را از خویش سلب کرده است. یکی از مهم‌ترین راهکارها، گزینش مأموران نیروی انتظامی از بین کسانی است که تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک در همین رابطه داشته‌اند و توانایی برخورد محترمانه و صبورانه با مردم را داشته باشند.

واضح است که مردم جامعه در شرایط اضطراری از نیروی انتظامی درخواست کمک می‌کنند. طبیعی‌است که مردم در چنین احوالی، به مأموران نیروی‌انتظامی هم بی‌احترامی کرده یا رفتار ناشایستی از خود بروز دهند اما انتظار می‌رود که حافظان امنیت جامعه با صبوری بیشتر نسبت‌به رفتار مردم واکنش نشان دهند و علاوه بر دعوت به آرامش، از برخوردهای زننده پرهیز کنند.

از دیگر راهکارهای پیشگیری، می‌توان رسیدگی به معضلات قشر انتظامی جامعه را مدنظر قرار داد. خانوادهٔ نیروی انتظامی کشور، همواره با مشکلات عدیده‌ای همراه بوده که صرفاً در حوزهٔ اقتصادی و امنیتی و خطرات جانی خلاصه نمی‌شود.

قطعاً با پیروی از دستورالعمل‌های مشخص در رابطه با گزینش نیروها، افزایش سطح مهارتی اعم از مهارت‌های نظامی و برخوردهای اجتماعی، حل مشکلات معیشتی این قشر از جامعه، می‌توان به افزایش سطح امنیت خیابان‌ها و معابر امید داشت.

هرچند که تمامی معضلات موجود در نیروی‌انتظامی، نمی‌تواند توجیه‌کننده رفتارهای ناپسند باشد. از طرفی، یکی از حقوق مردم، حقوق شهروندی بوده که سالیان سال است وعده‌های آن توسط دولتمردان داده می‌شود. اگر حقوق شهروندی مردم برای ایشان تبیین شود، قطعاً می‌توانند برخوردهای مناسب از طرق صحیح و قانونی را با چنین تخلفاتی داشته باشند.

امروزه با شرایط پیش‌آمده انتظاری که از نیروی‌انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌رود، این است که برخورد قاطع با نیروهای خاطی را دنبال کرده و خبر واصله از پیگیری را هم رسانه‌ای کند. چه‌که عدم بازخورد در رسانه‌ها و اجتماع، شبههٔ عدم‌برخورد مناسب با ضابطین را به‌همراه خواهد داشت.

* دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم قضایی